

سلطان علی مشریدی

حصه (۲)

سلطانعلی در هرات

در ۸۶۵ هجری که درین وقت ۲۹ بهار از عمر سلطان علی گذشته و در همین وقت نسخه ز بیای مخزن الاسرار نظامی را که اکنون در بریتش موزیم لندن است نوشته بود از جا نایب سلطان ابوسعید (۸۵۴ - ۸۷۲) در هرات دعوت شد که نسخه شاهنامه را که در کتابخانه او نا تمام مانده بود (۱) بانجام رساند. میگویند مولانا جعفر که خطاط معروف عصر خویش بود به نوشتن نسخه شاهنامه برای سلطان ابوسعید شروع کرده بود ولی پیش از اتمام آن قلم اجل برصنحه هستی او رقم کشیده سلطان ابوسعید راضی نشد که انجام این کار را بدست هر کس سیاه و منتظر بود تا کسی را بیابد که بتواند کار نا تمام مولانا جعفر را مانند وی تمام کند چنانکه برای این کار سلطان علی را برگزید و از مشهد طلب نمود در رساله خوش و بیان مرقوم است که در پاریس سلطان از قدرت قلم سلطان علوی و شهرت روز افزون او سلطان را خبر دادند و هم درین وقت صیت اشتها روی در میان همه طبقات واصناف رسیده بود بنابراین سلطان او را بلا درنگ طلب نمود و کار نا تمام شاهنامه را بد و سپرد. سلطان ابوسعید در سال ۸۶۱ هجری شهر هرات را گرفت و هرات نا هنگام مرگ وی (۸۷۶) با استثنای چندی که جهان شاه موقتاً اخلاص کرد (۸۶۲) در دست او بود. تیناً سلطان علی پیش از مرگ او یعنی ۸۷۲ بهرات آمده و پس از وفات او بخدمت جانشین وی ابوالغازی سلطان حسین میرزا پیوسته است سلطان حسین میرزا هرات را در ۱۰ رمضان ۸۷۲ (۳ اپریل ۱۵۰۶ ع) اشغال نمود سلطان علی مدت چهل سال در ظل حمایت و اطراف خاص این پادشاه و وزیر دانشمند او میرعلی شیر نوائی زندگانی نمود و به منتهای شهرت و عروج خود رسید و بهترین آثار پر بهای خود را درین شهر از خود بیادگار گذاشت و درد ستکاء این امیر و وزیر باشاعر شهیر و عارف نامی مولانا جامی نیز حشر و آمیزش دوستی و مصاحبت پیدا کرد و جامی از عشاق خط زیبا و شیوای او گردید و پس از مرگ سلطان حسین ۹۱۱ (۱۵۰۶ ع) در خدمت شبیانی خان خان بزرگ از بلک در آمد شبیانی خان هرات را در سال

(۱) میرزا حیدر دو قلات در تاریخ رشیدی بجای شاهنامه خمسه نوشته است. مولانا جعفر خمسه را ابتدا کرده نا تمام بوده است میرزا ابوسعید فرموده که هیچکس باشد آن را تواند تمام کرد چون در میان مردم مولانا سلطان علی شهرت کرده بود بمرض رسانیدند چون حالیا شهرت دارد شاید که او تواند این امر خطیر را سر آورد مولانا سلطان علی را آوردند و کتابت مولانا جعفر را نموده مولانا فی الحال قبول کرده است و تاریخ رشیدی.

۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ع) اشغال نمود شبیانی خان با آنکه مردخشن و دور از مدنیت بود دم از شاعری و نقاشی و خطاطی میزد و آوردگان کلمک و هنر خود را بلند تر از آنچه بود می ستود و می پنداشت چنانچه سام میرزای صفوی در تحفه سامی مینویسد : در تصویر استاد بهزاد نقاش که تا مصور قدرت صورت انسانی بر تخته هستی چهره گشائی نموده چنان مصور چابکدست نکشیده و در خط مولانا سلطان علی سکه کلمک سگرام الکاتبین مثل او خوش نویسی ننکاشته دخل بجد نموده صورت آن را در قلم اصلاح نمودی و خط این را بنوک قلم موروثی رقم نسخ کشیدی و گفتی چنین می باید (۱)

اعلیا سلطان علی یس از مرکه شبیانی خان در سال ۹۱۶ هجری (۱۵۱۰ ع) با چیزی بیشتر از این هرات را بنا بر اشوب و اختلاش ترك گفته در زادگاه خود مشهد بازگشته است زیرا در سال ۱۵ در مشهد بمرض آبله فرنگک مبتلا گردیده است چنانچه خود در رساله منظوم گوید :

بانو این عذر لنگه ازان گفتم ای پسندیده - ای ر نشهفتم
که ز دست پلای شوم فرنگک شده بودم زرنج آبله لنگه
خسته دل و از فوی نما ندم اثر نتوان گفتم شعر ازین بهتر

سال وفات :

در سال مرکه سلطان علی اختلاف است مولفین حبیب السیر و مجالس المومنین سال ۹۱۹ را سال وفات او میدانند مولف مرآت العالم تاریخ وفات او را - ۹۱۰ و مصنف تذکرت الخطاطین ۹۱۴ مینویسد و موافق کتاب پیدایش خط و خطاطان نوشته است که در ۹۱۹ در هرات وفات و در مشهد مدفون گردید ولی بنا بر دلایل زیر نمیتوانیم یکی ازین تاریخها را قبول کنیم .
(۱) رساله صراط السطور را که در سال ۹۲۰ نوشته در خانمه آن میگوید :

سال اتمام نظم این نامه نهصد و بیست ز در قلم خا مه

بود ماه نخست از اول سال انسانی و مطالعات که به آخر رسید قبال و مقال

(۲) يك نسخه فارسی که در ۱۹۱۲ ع در پاریس نمایش داده شد در ۹۲۰ بقلم او نوشته شده

و چنین رقم یافته .

کتابه العبد المذنب سلطان علی الشهدی غفر ذنبه ۹۲۰

(۳) يك رساله خواجه عبدالله انصاری را که در ۹۲۱ هجری نوشته است در کتابخانه

رامپور موجود است .

نتیجه که ازین مطالب بدست می آید این است که پیش از سال ۹۲۱ هجری (۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ ع)

نمرده است (۲)

از حبیب السیر و مجالس المومنین و پیدایش خط و خطاطان معلوم میشود که قبر سلطان علی

در جوار آستان مبارک حضرت امام رضا در مشهد است از همه مهمتر و قوی تر و صحیح تر نوشته

محمد یوسف لاهیجی در تذکرة الخطاطین است این موافق حتی روز و ماه فوت سلطان علی را

(۱) تحفه سامی طبع از مغان ۱۳۱۴ ش

(۲) مقدمه رباعیات خیام بخط سلطان علی بقلم مرحوم پرو فیسور محفوظ الحق طبع کلمتکته

ترجمه از انالیسی .

۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ع) اشغال نمود شبیانی خان با آنکه مردخشن و دور از مدنیت بود دم از شاعری و نقاشی و خطاطی میزد و آوردگان کلمک و هنر خود را بلند تر از آنچه بود می ستود و می پنداشت چنانچه سام میرزای صفوی در تحفه سامی مینویسد : در تصویر استاد بهزاد نقاش که تا مصور قدرت صورت انسانی بر تخته هستی چهره گشائی نموده چنان مصور چابکدست نکشیده و در خط مولانا سلطان علی سکه کلمک سگرام الکاتبین مثل او خوش نویسی ننکاشته دخل بجد نموده صورت آن را در قلم اصلاح نمودی و خط این را بنوک قلم موروثی رقم نسخ کشیدی و گفتی چنین می باید (۱)

اعلیا سلطان علی یس از مرگ شبیانی خان در سال ۹۱۶ هجری (۱۵۱۰ ع) با چیزی بیشتر از این هرات را بنا بر اشوب و اختلاش ترک گفته در زادگاه خود مشهد بازگشته است زیرا در سال ۱۵۰۰ در مشهد بمرض آبله فرنگک مبتلا گردیده است چنانچه خود در رساله منظوم گوید :

بانو این عذر لنگه ازان گفتم ای پسندیده - ای ر نشهفتم
که ز دست پلای شوم فرنگک شده بودم زرنج آبله لنگ
خسته دل و از فوی نما ندم اثر نتوان گفتم شعر ازین بهتر

سال وفات :

در سال مرگ سلطان علی اختلاف است مولفین حبیب السیر و مجالس المومنین سال ۹۱۹ را سال وفات او میدانند مولف مرآت العالم تاریخ وفات او را - ۹۱۰ و مصنف تذکرت الخطاطین ۹۱۴ مینویسد و مواف کتاب پیدایش خط و خطاطان نوشته است که در ۹۱۹ در هرات وفات و در مشهد مدفون گردید ولی بنا بر دلایل زیر نمیتوانیم یکی ازین تاریخها را قبول کنیم .
(۱) رساله صراط السطور را که در سال ۹۲۰ نوشته در خانمه آن میگوید :

سال اتمام نظم این نامه نهصد و بیست ز در قلم خا مه
بود ماه نخست از اول سال انسانی و مطالعات که به آخر رسید قبال و مقال

(۲) يك نسخه فارسی که در ۱۹۱۲ ع در پاریس نمایش داده شد در ۹۲۰ بقلم او نوشته شده و چنین رقم یافته .

کتابه العبد المذنب سلطان علی الشهدی غفر ذنبه ۹۲۰

(۳) يك رساله خواجه عبدالله انصاری را که در ۹۲۱ هجری نوشته است در کتابخانه

رامپور موجود است .

نتیجه که ازین مطالب بدست می آید این است که پیش از سال ۹۲۱ هجری (۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ ع)

نمرده است (۲)

از حبیب السیر و مجالس المومنین و پیدایش خط و خطاطان معلوم میشود که قبر سلطان علی در جوار آستان مبارک حضرت امام رضا در مشهد است از همه مهمتر و قوی تر و صحیح تر نوشته محمد یوسف لاهیجی در تذکرة الخطاطین است این مواف حتی روز و ماه فوت سلطان علی را

(۱) تحفه سامی طبع از مغان ۱۳۱۴ ش

(۲) مقدمه رباعیات خیام بخط سلطان علی بقلم مرحوم پرو فیسور محفوظ الحق طبع کلمکته

ترجمه از انلیسی .

بامدت عمر ومحل قبر او بدقت تمام آورده وبقین است که او این جمله را از ما خلب صحیح (شاید از روی سنک قبر سلطان علی برداشته است) لاهیجی نوشته است .
بتاریخ دهم ربیع الاول از سال ۹۲۶ پس ارهشتاد و پنج سال زندگانی این دنیا را وداع نمود ودریائین پای حضرت رضادر معلی متصل بگنبد امیرعلی شیر نوائی بخاک سپرده شد (۱)
کتابیه سنک مزار سلطان علی درمشهد بقطعه مسجد ابریشمی شاگرد او بوده و او از اشعار خود نیز یک قطعه بر لوح مزار استاد بخطی خوش نوشته و این رباعی را که نیز از سلطان علی است بر آن لوح نگاشته .

مین عدم و ا لم بود عالم دون ز نهار درومجی آرام و سکون
چون اسکنر جز وعالم آخرالم است رفتیم ازین عالم و دل غرقه بخون (۲)
از وفور آثار خطی او میتوان قضاوت نمود که سلطانعلی درنگارش خط نستعلیق بلا شبهه قوت و نیروی خستگی ناپذیری داشته و حتی در سال هشناد و چهارم حیات خویش نیز نسخه کاملی نوشته چنانچه خود نیز گوید

مرا عمر شصت رسه شد پیش و حکم هنوزم جوان است مشکین قلم
نوا نم بملی از خفی و جلی نوشتن سکه العبد سلطان علی
هم چنین قوای جسمانی و طراوت جوانی او فوق دیگران بوده چنانچه مولف پیدایش خط و خطاطان میگوید : عمرش به شصت و شش رسیده بود و هنوز موی ریش و سرش سفید نگردیده بود .

اولاد و اعیان سلطان علی :

از کتب و تذکرهائی که نام سلطانعلی و مختصری از حالاتش مرقوم است معلوم نمی شود که سلطانعلی پس از مرگ خود پسرری باز گذاشته باشد تنها از تاریخ رشیدی میرزا حیدر دوغلات که در ۹۵۳ هجری یعنی ۲۷ سال بعد از مرگ سلطانعلی تألیف شده معلوم میشود که زین الدین محمود (۳) هم شاگرد و هم داماد سلطانعلی بوده ازین فرار سلطانعلی دختری داشته که زین الدین محمود خطاط معروف تزویج نموده است بر و فیسور محفوظ الحق مرقوم در مقدمه رباعیات خیام نوشته است که ما نتوانستیم در بییم که پس از مرگ سلطانعلی پسرری با زمانه باشد ولی با تعجب باید یاد آور شد که شولز و جیک سن و ماریتو و دیور و هوارت و چندین محقق و خاورشناس دیگر که در نقاشی ابرائی مطالعات نموده اند مینویسند که سلطان محمدنور خطاط معروف همین دوره (قرن ۹ هجری) پسر سلطانعلی بوده است من با چندین نفر از دانشمندان و فضلاء معاصر خویش درین موضوع مذاکره و از ایشان استعلام کردم اما چیزی که موبد قول دانشمندان فرنگی شده بتواند نیافتم خواند میر که کتاب حبیب السیر را در ۹۳۰ هجری زمان حیات سلطان محمدنور نوشته است نام او و پدرش را چنین مینویسد :
سلطان محمد بن مولانا نورالله عمده نستعلیق نویسان زمان است . پس میان سلطان محمد نور اضافت ابنی است و از چند امضای دیگر او که در قطعات و مرقعات بنام سلطان محمد بن نورالله

(۱) سال ۲ شماره ۷ مجله یادگار مقاله دوست دانشمند استاد آقای اقبال اشقیانی طبع بهران

(۲) مجله یادگار شماره ۷ سال ۲

(۳) برای مطالعه شرح حال او رجوع شود فصلی از خلاصه الاخبار طبع کابل با مقدمه و حواشی نگارنده

وسلطان محمد بن نور رقم کرده بصراحت معلوم میشود که سلطان محمد پسر نور الله بوده
نه از سلطان علی .

شاگردان سلطان علی :

سلطان علی بنا بر شهرت و استادی که در قلمرو خط داشته و تا ظهور میرعلی هروی استادی
خط نستعلیق او در سراسر بلاد خراسان و ما وراء النهر مسلم بوده و بنام قبلت الکتاتب و زبدة
الکتاتب و سلطان الخطاطین و کاتب السلطانی یاد شده طبعاً این استاد مسلم و خوش شیوه
شاگردان زیاد داشته و مولفین حبیب السیر و خلاصت الاخبار و تذکره خوش نویسان و تذکره
الخطاطین و تاریخ رشیدی و مرآت العالم و خلاصه التواریخ و حالات هنروران و تحفه سامی
و رساله خط و سواد و مجازات النفایس و در بحان نستعلیق و بیداش خط و خطاطان و فهرست
نمایشگاه خطوط خوش نستعلیق کتابخانه ملی ایران و غیره از شاگردان با نام و نشان او نام
میببرند درین جا تنها بدکر نام چند شاگرد معروف و ممتاز او که در تاریخ رشیدی بنام
شاگردان مولانا سلطان علی ذکر شده اکتفا می نمایم . میرزا حیدر دوغلات در تاریخ رشیدی
نوشته است : « اماملا سلطان علی شاگرد بسیار دارد ازان جمله مولانا علاءالدین است هیچکس
مقدار علاءالدین شبیه به او ننوشته است خاصه در کتابت دیگر سلطان محمد خندان است وی
نیز در نهایت ملاحظه نوشته است . دیگر مولانا محمد ابریشمی است بغایت بخیر نوشته است اما
شکسته تر مینویسد دیگر مولانا زین الدین محمود است وی داماد ملاست و شاگرد او کتبه
را بسیار خوب کرده تیز و بجزه مینویسد دیگر سلطان محمد نور است اگرچه قلم نیز میدارد
اما کلاوک تر مینویسد دیگر قلندر کاتب است ملارا نظر بدو تمام بوده چه هر کس که باشد
آن وضع او را دوست میدارد او را هرگز منزل معینی نبوده صاحب کمره و کفش نشد تمام عمر
به تجرید و تفرید گذرانیده در نهایت صلاح و پاکیزگی خط او زبون تر ازین جماعت
مذکوره است » (۱)

در رساله ربیعان نستعلیق که بنا بر حساب چهل سال تالیف آن از روی حروف نام آن
۹۸۹ هجری میشود و مؤلف آن معلوم نیست درین آواخر از طرف قاضی معاصر آقای جغتائی
در لاهور طبع شده نسبت به شاگردان مولانا سلطان علی ذکر کرده و دوسه سطر اضافه تر
از تاریخ رشیدی دارد بنابراین درین جا بنقل آن می پردازیم « از شاگردان مولانا سلطان علی
در هرات شش کس شهرت نموده اند بازار استادان سته که از خواجه یاقوت تربیت یافته بودند
اول مولانا سلطان محمد خندان هر کجا مولانا خط او پدید می آمد نوشته بودی فرمودی
خط دیوانه ماست و به اسم خود مزین نمودی دوم مولانا محمد نور وی را مولانا اظهار ثانی
می گویند یوسف زلیخای تمام او را مولانا میرعلی به تکلیف عبدالعزیز خان بانام رسانیده
سوم مولانا علاءالدین محمد هروی خسته امیر خسر و رابنده بخط او دیدم که خط بر خطوط استادان
کشیده آن کتاب به هزار زرینه تنها رسید و محمد معصوم خان در حین حکومت جونپور بخیرید
فقیر دران حین در سارن بوده اما جدم مولانا عبدالله فراهی که فلسی ندارد و صد ندامت
ظاهر می سازد « وام بایستی کرد و آن کتاب را بدست آورد و در هواری و بیختگی و خوبی
آن نوع کتابی به نظرها بصیر نرسیده و متفق علیه گردیده . (باقی دارد) کویا - اعتمادی

وسلطان محمد بن نور رقم کرده بصراحت معلوم میشود که سلطان محمد پسر نور الله بوده
نه از سلطان علی .

شاگردان سلطان علی :

سلطان علی بنا بر شهرت و استادی که در قلمرو خط داشته و تا ظهور میرعلی هروی استادی
خط نستعلیق او در سراسر بلاد خراسان و ما وراء النهر مسلم بوده و بنام قبلت الکتاتب و زبدة
الکتاتب و سلطان الخطاطین و کاتب السلطانی یاد شده طبعاً این استاد مسلم و خوش شیوه
شاگردان زیاد داشته و مولفین حبیب السیر و خلاصت الاخبار و تذکره خوش نویسان و تذکره
الخطاطین و تاریخ رشیدی و مرآت العالم و خلاصه التواریخ و حالات هنروران و تحفه سامی
و رساله خط و سواد و مجازات النفایس و در بحان نستعلیق و بیداش خط و خطاطان و فهرست
نمایشگاه خطوط خوش نستعلیق کتابخانه ملی ایران و غیره از شاگردان با نام و نشان او نام
میبهرند درین جا تنها بدکر نام چند شاگرد معروف و ممتاز او که در تاریخ رشیدی بنام
شاگردان مولانا سلطان علی ذکر شده اکتفا می نمایم . میرزا حیدر دوغلات در تاریخ رشیدی
نوشته است : « اماملا سلطان علی شاگرد بسیار دارد ازان جمله مولانا علاءالدین است هیچکس
مقدار علاءالدین شبیه به او ننوشته است خاصه در کتابت دیگر سلطان محمد خندان است وی
نیز در نهایت ملاحظه نوشته است . دیگر مولانا محمد ابریشمی است بغایت بخیر نوشته است اما
شکسته تر مینویسد دیگر مولانا زین الدین محمود است وی داماد ملاست و شاگرد او کتبه
را بسیار خوب کرده تیز و بجزه مینویسد دیگر سلطان محمد نور است اگرچه قلم نیز میدارد
اما کلاواک تر مینویسد دیگر قلندر کاتب است ملارا نظر بدو تمام بوده چه هر کس که باشد
آن وضع او را دوست میدارد او را هرگز منزل معینی نبوده صاحب کمره و کفش نشد تمام عمر
به تجرید و تفرید گذرانیده در نهایت صلاح و پاکیزگی خط او زبون تر ازین جماعت
مذکوره است » (۱)

در رساله ربیعان نستعلیق که بنا بر حساب چهل سال تالیف آن از روی حروف نام آن
۹۸۹ هجری میشود و مؤلف آن معلوم نیست درین آواخر از طرف قاضی معاصر آقای جغتائی
در لاهور طبع شده نسبت به شاگردان مولانا سلطان علی ذکر کرده و دوسه سطر اضافه تر
از تاریخ رشیدی دارد بنابراین درین جا بنقل آن می پردازیم « از شاگردان مولانا سلطان علی
در هرات شش کس شهرت نموده اند بازار استادان سته که از خواجه یاقوت تربیت یافته بودند
اول مولانا سلطان محمد خندان هر کجا مولانا خط او پدید می آمد نوشته بودی فرمودی
خط دیوانه ماست و به اسم خود مزین نمودی دوم مولانا محمد نور وی را مولانا اظهار ثانی
می گویند یوسف زلیخای تمام او را مولانا میرعلی به تکلیف عبدالعزیز خان با تمام رسانیده
سوم مولانا علاءالدین محمد هروی خسته امیر خسرو را بنده بخط او دیدم که خط بر خطوط استادان
کشیده آن کتاب به هزار زرینه تنها رسید و محمد معصوم خان در حین حکومت جونپور بخیرید
فقیر دران حین در سارن بوده اما جدم مولانا عبدالله فراهی که فلسی ندارد و صد ندامت
ظاهر می سازد « وام بایستی کرد و آن کتاب را بدست آورد و در هواری و یختگی و خوبی
آن نوع کتابی به نظرها بصیر نرسیده و متفق علیه گردیده . (باقی دارد) کویا - اعتمادی